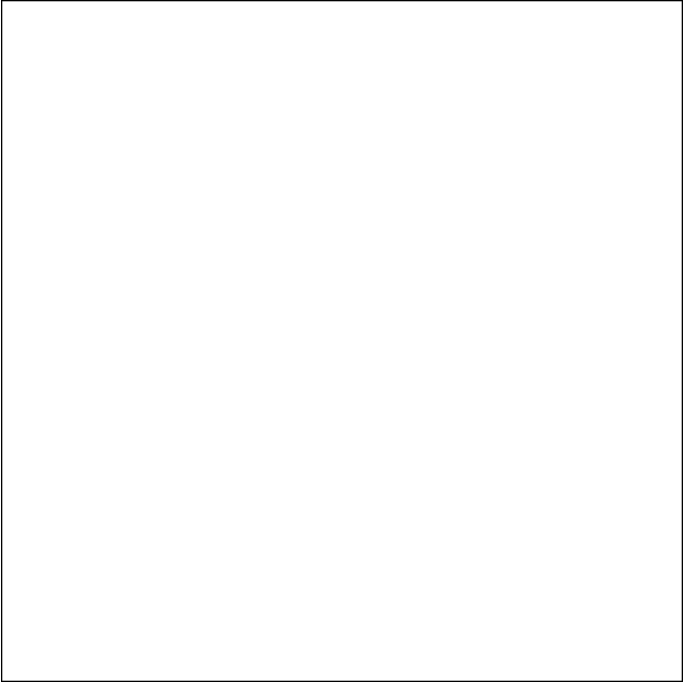


قصة اگوستينو

Agostino's story



LIDA Italia

Billie Cejka Risnes

Shir Ahmad Laiwal

5

English / العربية



**LIDA Stories**

[lidastories.net](http://lidastories.net)

قصة اگوستينو / Agostino's story

LIDA Italia

Billie Cejka Risnes

Shir Ahmad Laiwal (prs)



This work is licensed under a Creative Commons

[Attribution 4.0 International License.](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



نام من اگوستینو است و من پنجاه و یک ساله هستم. کار من غذا  
رسانی است توسط بایسکل است. من دو دختر دارم مگر به بسیر کم  
می زنیم. من و پدر آنها یکدیگر زندگی نمی کنیم چرا که به طلاق  
گرفتیم.

...

My name is Agostino and I am 51 years old. My  
job is delivering food by bicycle. I have two  
daughters, but we hardly ever speak. Their  
mother and I no longer live together because  
we are divorced.

I live with my mother, as I cannot afford to pay rent after the divorce. Rent is very expensive in this city.

...

من به مادرم زندگی می کنم چرا که بعد از طلاق من نمیتوانم کرایه  
خانه را بپردازم. کرایه خانه در این شهر بسیار گران است.





چند ه پيش من به حيث سرايدار ه يك كمپني گر مي كردم. من اشيجي خراب شده را جور مي كردم، بکس ه را انتقل مي دادم، و ه كهن كمك مي كردم كه به كمك من نيز مي داشتند. يك روز كمپني من را از وظيفه برطرف كرد. من نفهميدم كه چرا

...

A few months ago I was working as a janitor for a company. I repaired things that were broken, carried boxes, and helped when anyone needed it. One day the company fired me. I did not understand why.



بعد از مدت طولاني تهم كوشش هي ه به ثمر رسيد. يكي از كمپني هي بزرگ هيد يك جريره بزرگ بپردازد و به كركن ايشن، وظيفه دائمي بدهد. اين اولين هر بود كه در تهم جهن اينطور واقع شده است. معلوم ميشود كه چيزه پيشرفت مي كنند

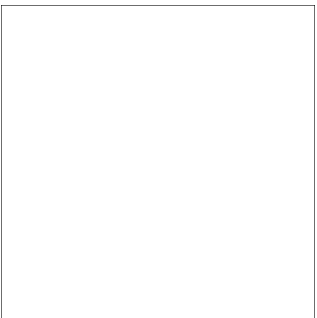
...

After a long time all our hard work paid off. One big delivery company had to pay a huge fine and to give workers permanent jobs. It was the first time that had happened anywhere in the whole world. It looks like things are starting to improve.

Together with delivery people from other companies, I took a course on workers' rights with a local union. They offered us legal advice free of charge. We struggled to get more recognition and rights.

...

همراه با دیگران از شرکت های پیکان در یک دوره آموزشی حقوق کارکنان شرکت های پیکان شرکت کردیم. ما با یک اتحادیه محلی حقوق کارکنان شرکت های پیکان را با هم شرکت کردیم. ما یک دوره آموزشی حقوق کارکنان شرکت های پیکان را با هم شرکت کردیم. ما با یک اتحادیه محلی حقوق کارکنان شرکت های پیکان شرکت کردیم.

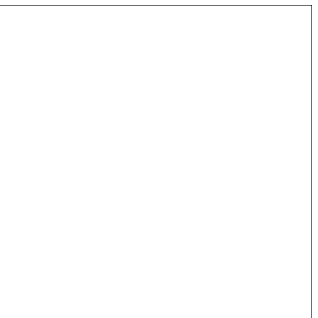


I saw many people delivering food by bicycle. I can ride a bicycle, so I knocked on the door of a big delivery company. They offered me three euros for each delivery. I make 40€ per day, 60€ if I am very lucky and the customers tip me.

...

بسیار دیدم که مردم غذا را با دوچرخه می‌برند.

من دیدم که خیلی از مردم غذا را با دوچرخه می‌برند. من دیدم که خیلی از مردم غذا را با دوچرخه می‌برند. من دیدم که خیلی از مردم غذا را با دوچرخه می‌برند. من دیدم که خیلی از مردم غذا را با دوچرخه می‌برند. من دیدم که خیلی از مردم غذا را با دوچرخه می‌برند.

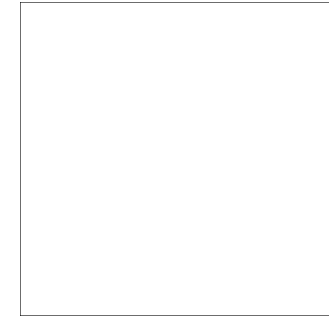




من را در روزهای رخصتی پैसे نه میدهد، پैसे مریضی نه میدهد، تقریباً هیچ حقوق به من نه میدهد، مگر من این وظیفه را نیز دارم. دیگر گرمندان مهاجرهی از تهم دنیهستند

...

I get no paid holiday, no sick pay, hardly any rights at all. I do not think that is right, but I need the job. Most of the other employees are immigrants from all over the world.



زیبای از غذا رسان هر روز در حوادث زخمی میشوند. پس، وقتی که یک غذا رسان بیست و پنج ساله را موتر زد و مرد، مسئولان در طرف ه توجه زید کرد. این جی شرم است که پیش از مردن او اینه به ه توجه خاص نمی کردن.

...

Many delivery people are injured in accidents every day. Then, when a 25-year-old deliveryman was hit by a car and died, the authorities started noticing us. It is a shame he had to die before that happened.